

بررسی جایگاه مطالعات میان‌رشته‌ای در آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان

سید اسماعیل فرجی^۱

چکیده

تحولات و تغییرات گوناگون جامعه و ارتباط دو سویه میان زبان و اجتماع سبب شده است که با رشد فناوری و افزایش معضلات پیچیده بشری و انعکاس آن در ساختار زبانی، همکاری‌های میان‌رشته‌ای بویژه در عصر حاضر، ضرورتی انکارناپذیر باشد. از سوی دیگر تلقی و نگرش سنتی از امر زبان‌آموزی موجب شده است که ایجاد ظرفیت‌های لازم جهت رویارویی با تحولات مذکور بویژه در امر آموزش زبان به غیر فارسی‌زبانان با چالش‌های تازه‌ای مواجه شود. بر این اساس یکی از ضرورت‌های آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان در عصر حاضر بویژه دو دهه اخیر، پرورش مهارت‌های میان‌رشته‌ای در زمینه آموزش به زبان‌آموزان و مدرسان است. در این مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای با مروری بر جایگاه مطالعات میان‌رشته‌ای در سطح آموزش دانشگاهی بر ضرورت پرورش تفکر میان‌رشته‌ای در زبان‌آموزان به‌عنوان پیش‌نیاز درک و دریافت زبان و ادبیات فارسی با گستره مفاهیم غنی آن تأکید شده است. در ادامه با شرح و تبیین یادگیری خلاق با رویکرد «مسأله‌محور» این رویکرد نوین آموزشی که در بسیاری از علوم مورد توجه قرار گرفته است و جای خالی آن در مباحث آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان کاملاً مشهود است در ابعاد گوناگون مورد توجه قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها:

واژه‌های کلیدی: آموزش زبان فارسی، غیر فارسی‌زبانان، میان‌رشته‌ای، یادگیری
مسأله‌محور.

۱. دکترای زبان و ادبیات فارسی، مدرس آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان در مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی وابسته به جامعه المصطفی.

سالانه هزینه‌های هنگفتی صرف آموزش و تربیت زبان‌آموزان در حوزه فراگیری زبان دوم و تعلیم مریبان و معلّمان مختلف در حوزه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان می‌شود؛ اما گاه نتایج به دست آمده آنچنان که انتظار می‌رود مطلوب نیست. شاید یکی از دلایل این امر ضعف روش‌های آموزشی در ارائه مفاهیم فرهنگی از طریق آموزش بینارشته‌ای باشد که در نهایت منجر به سرخوردگی زبان‌آموزان و نیز معلمان می‌شود. پژوهش میان‌رشته‌ای^۱ یکی از انواع پژوهش‌هایی است که زمینه و شرایط لازم جهت ارتباط میان علوم مختلف را فراهم می‌آورد تا سبب توسعه دانش نوین گردد. «مطالعات میان‌رشته‌ای ناظر بر حوزه‌ای از مطالعه دانش است که ارتباط تکمیلی متقابلی با شاخه‌های دیگر دارد. میان‌رشته‌ای برنامه پژوهشی مبتنی بر کثرت‌گرایی یا روش‌شناسی است که فرد محقق و پژوهشگر از سطح واحد و محدود به یک حوزه از دانش فراتر رفته و نسبت به دانش‌های مختلف ناظر بر مسئله‌ای واحد توجه نشان می‌دهد» (خورسندی، ۱۳۸۷: ۲۹).

آموزش زبان فارسی، آموزش چند ساحتی است چرا که زبان و ادبیات فارسی دارای ابعاد گوناگونی است که ادبیات، زبان و علوم دیگر را در خود جای داده است. از این رو بخش اعظمی از متون فارسی بویژه امهات متون فارسی از یک سو در زمره منابع مهم ادبی محسوب می‌شود و از سوی دیگر حجم وسیعی از دانش‌های علوم دیگر را در خود جای داده است؛ علمی مانند تفسیر، عرفان، اخلاق، طب، نجوم و کلام.

پژوهش‌های میان‌رشته‌ای حاصل تلفیق دو یا چند رشته دانشگاهی برای حل یک مسأله علمی است که در دوران تخصصی شدن علوم، با نگاهی وحدت‌گرایانه به دانش بشری درصدد ایجاد ارتباطی منطقی میان علوم مختلف است. زبان پدیده‌ای برخاسته از فرهنگ و جامعه است و از این رو انعکاس علوم مختلف در آن امری طبیعی است؛ چرا که زبان را نمی‌توان پدیده‌ای تک بعدی به‌شمار آورد؛ از این رو پژوهش‌های ادبی و زبان همواره آمیزه‌ای از روش‌ها و رویکردهای مختلف بوده‌اند. آموزش تک بُعدی زبان فارسی به فارسی‌آموزان که ناشی از ابزارهای سنتی و کلیشه‌ای و جملات از پیش تعیین شده است نه

۱. interdisciplinary.

تنها کمکی به پیشبرد این علم نخواهد کرد بلکه در نهایت سبب کج فهمی، دیرفهمی و دلزدگی زبان آموزان خواهد شد. در این مقاله ضمن توجه به لزوم استفاده از مطالعات میان رشته‌ای در امر آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان و بیان مبانی این رویکرد، گونه‌ای از پژوهش‌های میان رشته‌ای که به نوعی با آموزش زبان فارسی گره خورده است معرفی خواهد شد. هدف این تحقیق، تأکید بر لزوم توجه به مباحث میان رشته‌ای در مطالعات زبانی و آموزش آن به غیر فارسی زبانان می‌باشد.

۱/۱. بیان مسأله

در سال‌های اخیر تحقیقات و پژوهش‌های بسیاری در خصوص مسائل مختلف در امر آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان صورت گرفته است. رشته‌ای که تأسیس آن را می‌توان گامی مهم و تصمیمی ارزنده در جهت گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج از مرزهای جغرافیایی ایران و کشورهای فارسی‌زبان دانست. این رشته در مقایسه با بسیاری از رشته‌های تحصیلی دانشگاهی، بسیار نوپاست؛ در نتیجه به منظور ارتقای هر چه بیشتر سطح کیفی، نیازمند بررسی‌ها و مطالعات مستمر علمی در جنبه‌های گوناگون است. یکی از مسائل بسیار مهم و اساسی در حیطه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان این است که از دانش و تجربیات رشته‌های مختلف آموزشی و علوم دیگر باید بهره گرفت. این نوع نگاه جامع و لزوم توجه به مطالعات بینارشته‌ای در امر آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان مسأله اصلی جستار پیش رو می‌باشد.

۲/۱. روش پژوهش

شیوه پژوهش در این جستار بر توصیف و تشریح واقعیت‌های موجود زبانی و رخدادهای قابل مشاهده در زبان فارسی امروز است که با کمک شیوه استدلالی - توصیفی سعی نموده‌ایم لزوم استفاده از مطالعات میان رشته‌ای و آموزش‌های لازم بینارشته‌ای جهت یادگیری کاربردی تر زبان توسط فارسی آموزان غیر ایرانی را مد نظر قرار دهیم. در این پژوهش توصیف و تجویز به صورت موازی در کنار یکدیگر مد نظر قرار گرفته‌اند.

۳/۱. پیشینه پژوهش

در خصوص بررسی و تاثیر مطالعات میان رشته ای در امر آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان تا کنون پژوهش کامل و مستقلى صورت نگرفته است. تنها موردی که نگارنده در این خصوص یافته است مقاله‌ای همایشی با عنوان «آموزش زبان فارسی به عنوان زبان دوم خارجی: حوزه‌ای شناختی و میان رشته‌ای؛ چشم انداز و دامنه تحقیقات در قرن بیست و یکم» از زهرا عباسی است که در آن ذیل مواردی چون عصب‌شناسی زبان، زبان‌شناسی نظری و تدریس زبان، مفاهیم نسبتاً کلی و تاحدودی غیرمرتبط با موضوع پژوهش (برخلاف عنوان مقاله که ارتباط تنگاتنگی بین پژوهش ایشان و جستار حاضر را نشان می‌دهد) مورد توجه قرار گرفته است.

در پژوهش دیگری با عنوان مقایسه و بررسی میزان و نحوه تعامل نویسنده و خواننده در متون آموزش زبان فارسی و انگلیسی با رویکرد میان رشته‌ای، اسمعلی زاده و صحرایی (۱۳۹۳) به مسأله یادگیری علائم نگارشی در زبان بیگانه با رویکرد مطالعات جامعه‌شناسانه پرداخته‌اند.

۲. چهارچوب نظری بحث

زبان، انعکاس دهنده فرهنگ است و فرهنگ نیز زبان خود را دارد. جامع‌ترین ابزار فرهنگی هر جامعه، زبان است؛ چرا که زبان به کمک واژگان تمام بن‌مایه‌های فکری، سیاسی، عقیدتی، تاریخی، مذهبی و ملی را در خود جای می‌دهد. استفاده از ساختار زبانی و مدل‌های برقراری ارتباط در یک گفتار مؤثر به این موضوع بستگی دارد که چه کسی با چه کسی و پیرامون چه هدف و در چه سطحی قرار است به گفت‌وگو پردازد؟ هر چه از دایره یک گفتار روزمره و عادی جلوتر برویم نقش عوامل فرازبانی پررنگ‌تر و جلوه‌گرتر خواهد شد. در حیطه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان همواره باید این نکته مد نظر قرار بگیرد که زبان‌آموزان پس از دانش آموختگی در تمامی سطوح از مکالمات روزمره تا درک و دریافت و فهم متون ادبی و یا صحبت در محافل و مجامع علمی، تا چه اندازه توانمند شده‌اند. آیا صرف یادگیری محدوده‌ای از واژگان و یا حتی مطالعه متون کلاسیک ادبیات فارسی کافی است تا فردی غیر فارسی‌زبان در این رشته دانش آموخته شود؟ همان‌گونه که گفتیم زبان، پوششی ساختاری و ظاهری برای بیان فرهنگ است. زبان با واژه‌ها، دستور،

قواعد با ضرب‌المثل‌ها، کنایات، اصطلاحات، تعبیرات عام و فولکلور، ادبیات و علم درهم تنیده شده است در نتیجه می‌توان گفت که آموزش هر زبان دومی از جمله زبان فارسی مستلزم آن است که زبان‌آموز در یک نظام آموزشی اصولی و توانمند با زیرساخت‌هایی که زبان را شکل می‌دهند، آشنا شود و این امر محقق نمی‌گردد مگر آنکه در یک سیر منطقی از مطالعات میان‌رشته‌ای زمینه‌ای این امر فراهم شود.

۱/۲. زبان و مطالعات میان‌رشته‌ای

زبان از جهت موضوعی، قلمرو بسیار وسیعی را در خود جای می‌دهد و همین امر سبب می‌شود که با دانش‌های متعدد در ارتباط باشد. از این جهت از روش‌های مختلفی برای یادگیری آن می‌توان بهره گرفت. به عبارت دیگر بسیاری از مسائل زبانی بویژه در بُعد فرهنگی و زیرساختی زبان که بر مسائل ادبی استوار هستند چند وجهی و چند پهلو هستند و درست به دلیل همین چند وجهی بودن است که بسیاری از واژگان، اصطلاحات، کنایه‌ها و ضرب‌المثل‌ها ذوب‌شده هستند و فهم آنها در زبان، ریشه در علوم دیگر دوانده است. بنابراین برای حل مسائل آموزشی آنها و نیز یادگیریشان باید علوم دیگر را کاوید. اصولاً زبان و واژه‌های آن با تمامی مفاهیم جامعه درگیر است عشق، مرگ، پیری، خانواده، اجتماع، زندگی و به‌طور کلی زندگی با تمام گوناگونی و تنوع آن. به همین دلیل است که «مطالعات زبانی و ادبی در طول تاریخ هیچ‌گاه رشته‌ای ناب و خالص نبوده و همیشه با مباحث و گفتمان‌های دیگر رشته‌ها در ارتباط بوده است» (رهادوست، ۱۳۸۲: ۱۹۷).

هنگامی که می‌گوییم زبان ابزاری اجتماعی برای برقراری ارتباط است طبعاً نخستین سؤالی که در ذهن ایجاد می‌شود آن است که میان زبان و علوم مختلف جامعه چه ارتباطی وجود دارد. برای پاسخ به این سؤال بهتر است که به گفته‌های برخی از زبان‌شناسان در خصوص زبان مراجعه نماییم. دوریته در تعریف زبان می‌گوید «زبان وسیله‌ای برای برقراری ارتباط است و از میان انواع رفتارهای ارتباطی، مشهورترین، رسمی‌ترین و از نظر اجتماعی مقبول‌ترین است» (دوریته، ۱۳۸۲: ۱۶) و یا «در تمام جوامع، زبان خالص‌ترین فرایند برقراری ارتباط انسانی است» (سپیر، ۱۹۹۳: ۲۲۱).

اما زبان همواره به سادگی نمی‌تواند این وظیفه ارتباطی خود را برساند. ورشاگین زبان‌شناس مشهور روسی در کتاب «زبان و فرهنگ» می‌گوید: «مسأله این است که حتی کسانی که مسلط به یک زبان مشترکند نیز نمی‌توانند همیشه یکدیگر را به درستی درک کنند که دلیل آن اغلب تفاوت فرهنگ‌هاست. زبان ریشه در عوامل اجتماعی گوناگون دارد و برای فهم و یادگیری آن باید جمیع این عوامل را از حیطة نظر گذرانند» (همان: ۲۲۶).

بنابراین زبان نه تنها ابزاری برای اطلاع‌رسانی است بلکه این توانایی را دارد که اطلاعاتی پیرامون محیط، جامعه، فرهنگ و انواع روابط را در خود حفظ، نگه‌داری و ثبت کند (همان: ۱۰). در اینجا بدون آنکه قصد داشته باشیم به تعاریف بسیار زیاد و گوناگون که از «فرهنگ» شده است پردازیم، قصد داریم نقش ارتباط میان رشته‌ای با زیر ساخت فرهنگی را در امر آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان بررسی نماییم.

۲/۲. تعریف رشته آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان و اهداف آن

رشته آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان یکی از شاخه‌های رشته زبان‌شناسی همگانی است که به مطالعه علمی زبان فارسی و روش‌ها و شیوه علمی آموزش این زبان به خارجی‌زبانان می‌پردازد. در این رشته، زبان و ادبیات مختلف از جنبه‌های گوناگون فرهنگی، ادبی، آموزشی، ساختاری و اجتماعی به دقت بررسی می‌شوند. «در نقشه جامع علمی کشور، هشت هدف جزء اهداف کلان نظام علم و فناوری کشور در نظر گرفته شده است. یکی از این اهداف کلان، ارتقای جایگاه زبان و ادبیات فارسی در بین زبان‌های بین‌المللی است. در نقشه جامع علمی کشور، اولویت‌های علم، فناوری کشور بر اساس میزان اهمیت و اولویت در سه سطح الف، ب و ج دسته‌بندی می‌شود که ناظر بر نحوه و میزان تخصیص منابع اعم از مالی، انسانی و توجه مدیران و مسئولان است. یکی از اولویت‌های سطح الف در گروه علوم انسانی و مبانی اسلامی، زبان فارسی در مقام زبان علم است که این نکته حکایت از اهمیت بنیادی آموزش علمی زبان فارسی دارد» (صحرائی، ۱۳۹۱: ۱۰۴). این رشته در سال ۱۳۷۲ به‌عنوان زیر مجموعه رشته زبان-شناسی همگان تأسیس شد و در پی آن چند دانشگاه مهم دولتی ایران در این زیر گروه، اقدام به جذب دانشجو کردند.

آموزش علمی زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان، آموزش رسم‌الخط صحیح فارسی، پژوهش در دستور زبان و آموزش مفاهیم ادبی از جمله اهداف اصلی رشته آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان است.

۲/۳. آموزش الگوهای یادگیری تفکر بینارشته‌ای^۱

جان دیویی^۲ یکی از نظریه‌پردازان تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش بر این نکته تصریح می‌کند که «یادگیری واقعی فقط هنگامی روی می‌دهد که تفکر بازتابی وجود داشته باشد» (ویلیامز، ۱۳۹۴: ۱۱۷). دیویی با پژوهش‌های گوناگون خود در حیطه آموزش و پرورش بر این نکته تأکید می‌کند که یادگیری زمانی مؤثر و کارآمد است که محیط، تجربه و فعالیت زبان‌آموز همگی در کنار هم در یک راستا باشد. دیویی دیدگاه‌های «فراشناختی» را مطرح می‌کند. «عبارت‌های فراشناختی بویژه برای یادگیری حیاتی است؛ چرا که شخص را قادر می‌کند تا یادگیری‌های خود را به زمینه‌های جدید تعمیم دهد» (همان).

۲/۴. توجه به لایه‌های ایدئولوژیک زبانی در امر آموزش

زیربنای شرایط فکری موجود در یک جامعه، لایه ایدئولوژیک زبان را تشکیل می‌دهد. ایجاد شرایط مناسب و درخور توجه برای آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان باید به گونه‌ای باشد که ایدئولوژی و گفتمان حاکم بر زبان به زبان‌آموزان آموزش داده شود. نگاه انحصارطلبانه و تک‌بُعدی به ساخت زبان سبب می‌شود که باورها و عقایدی را که در طی سالیان متمدنی طرز فکر افراد یک جامعه و زبان آنها را شکل داده است، نادیده گرفته شود. پشتوانه فکری هر زبانی باورها و معانی عمیقی است که در قوی‌ترین لایه‌های ایدئولوژیک زبان منعکس می‌شود. استعارات، ضرب‌المثل‌ها، کنایه‌ها، طب، موسیقی، نجوم، فلسفه، دین و مذهب و... که در اقدام رفتاری و باورهای فکری و گفتار ما تجلی پیدا می‌کند خواه ناخواه در زبان مورد استفاده قرار می‌گیرند. آموزش زبان فارسی باید برگرفته از عقاید گویشوران زبان باشد و برای آشنایی با این لایه‌های فکری در ابتدا باید برنامه‌ریزی دقیقی به عمل بیاید تا در قالب مطالعات بینارشته‌ای زمینه مناسبی برای آموزش باورها و لایه‌های فکری زبان

۱. interdisciplinary case study

۲. jone.dewey

فراهم شود.

یکی از چالش‌های مهم آموزش، انعطاف و انطباق با دنیای متغیر، علوم، تکنولوژی و فرهنگ زمان است. برخلاف ادوار گذشته در عصر اطلاعات و ارتباطات زبان را به صورت همه‌جانبه‌ای تحت تأثیر خود قرار داده‌اند. به‌عنوان نمونه کنایه‌های عامیانه که لزوم توجه به فرهنگ عامیانه، باورها و فولکلور را ایجاب می‌نماید. شاید در بُعد نوشتاری یا فارسی رسمی زبان آموزش نیازی به آموزش گفتار محاوره‌ای نداشته باشد اما قطعاً نمی‌توان تأثیر فرهنگ عامیانه و زبان کوچه بازار بر گفتار را انکار کرد. با گسترش دنیای آفرینش واژگان، ترکیبات و جمله‌های جدید برای نیازهای جدید، صمیمانه و غیر رسمی در جهت تغییرات و نوآوری‌های جامعه باید مدّ نظر قرار بگیرد؛ به‌عنوان نمونه مثال‌هایی از واژگان که باید در بافت فرهنگی جامعه امروز ایرانی مدّ نظر قرار بگیرد مورد توجه قرار می‌دهیم.

مسأله زبان در حقیقت از سطح امور میان‌رشته‌ای هستند. زبان آموزش برای فهم واژگان یاد شده باید در ساختاری تعاملی با علوم و فنون دیگر به یادگیری مؤثر و پایدار دست یابد و این وظیفه برعهده متولیان امر آموزش است تا الگوی تفکر میان‌رشته‌ای را به صورت برنامه‌ریزی شده و مدون در کلاس‌های درس پیاده‌سازی و اجرا نماید.

۲/۵. مطالعات بینارشته‌ای؛ راهبردهای غیر مستقیم در رابطه با اصلاح آموزش

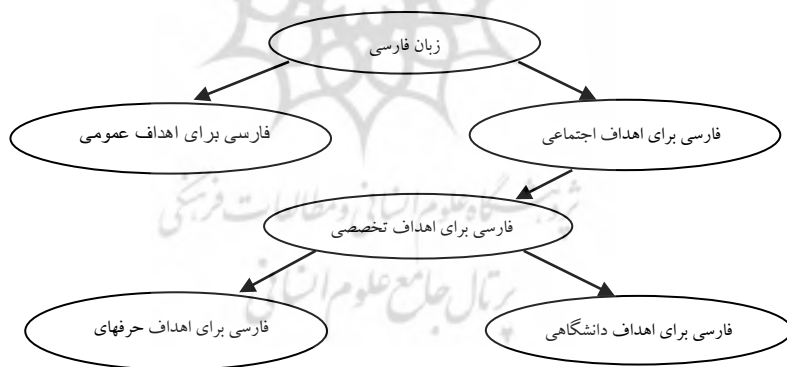
در امر آموزش زبان، راهبردهای مستقیم عبارت است از روش‌هایی که به طور مستقیم در یادگیری زبان هدف (زبان دوم) دخیل هستند؛ یعنی روشی که نیازمند اندیشیدن به زبان هدف است. اما راهبردهای غیر مستقیم از طریق توجه به ارزیابی فرصت‌ها، افزایش همکاری با دیگر علوم و سایر ابزارها به گونه‌ای است که راه را برای افزایش اطلاعات زبانی در رابطه با جامعه‌شناسی زبان، هموارتر می‌سازد (متولی، ۱۳۷۶: ۹۹-۹۰). بازبینی و اصلاح آموزش، یکی از اهداف اصلی لزوم استفاده از مطالعات بینارشته‌ای در آموزش زبان به حساب می‌آید. یکی از مهم‌ترین عواملی که در کلاس‌های درس سبب ضعف یادگیری زبان آموزان می‌شود آن است که آموزش‌های زبانی آنان منطبق با نیازهای جامعه نیست آگاهی از نیازهای جامعه منوط به آشنایی با زیرساخت‌های

فکری، فرهنگی و جامعه‌شناسی زبان است و نیازمند کاوش در سایر علوم. آموزش زبان رویکردهای متنوعی را در بر می‌گیرد است که هر کدام خود منشأ شیوه‌ها و راهبردهای مختلفی در سطح اجراست و امکانات ویژه‌ای می‌طلبد. اهداف کلی آموزش زبان فارسی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- آموزش زبان فارسی (برای اهداف عمومی، تخصصی و اجتماعی)؛
- آموزش ادبیات فارسی (به معنای تخصصی در بخش‌های مختلف ادبیات، شعر، رمان و داستان)؛

• آموزش زبان فارسی به منظور اهداف ویژه (فرهنگی، سیاسی و...):
 به هنگام یادگیری زبان فارسی برای اهداف عمومی، تخصصی و اجتماعی از مطالعه سایر علوم بی‌نیاز نیست. این مسأله بدان معناست که فراگیری زبان به معنای کاربردی آن باید در گسترده‌ترین سطح با زیربنای آن آشنا شود.

آموزش زبان فارسی برای اهداف عمومی، تخصصی و اجتماعی:



۶.۲. سه مفهوم بینارشته‌ای در آموزش زبان

پیشرفت در بدنه دانش «زبان» امکان‌پذیر نیست مگر آنکه مشارکت‌ها در گروه‌های اجتماعی و فعالیت‌های اجتماعی زبان‌آموز در تعامل با علوم و فنون دیگر باشد. به عبارت دیگر از آنجا که زبان یک جامعه امتزاجی از دانش‌های مختلف است و افراد بنا به ذات زبان در ساختار جامعه با این زیرساخت‌ها آشنا می‌شوند، لازم است که زبان‌آموز نیز به این میزان از دانش دست یابد.

ویژگی‌های بینارشته‌ای که زبان‌آموز را به جامعه پیوند می‌دهد می‌توان در پارادایم‌های زیر خلاصه نمود:

جدول ۱: سه مفهوم بینارشته‌ای به‌عنوان رابط زبان و جامعه

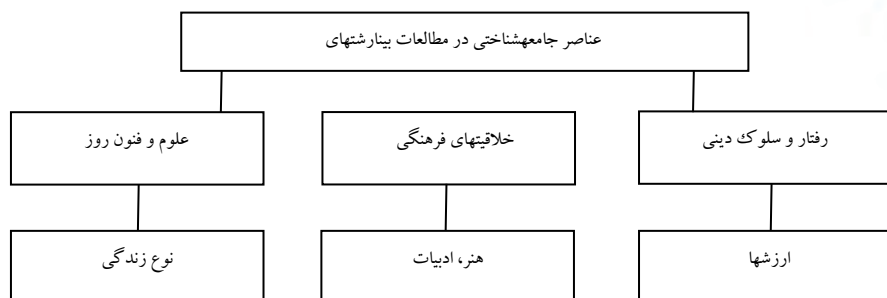
پ	ب	الف	بینارشته‌ای بر اساس مفهوم
			خصایص بینارشته‌ای
✓	✓	✓	گرایش به مسائل مربوط به جامعه
✓	✓	✓	فراتر رفتن و ترکیب پارادایم‌های زبانی با مفاهیم جامعه‌شناسی
✓	✓	✓	پژوهش جمعی و مشارکتی

یل (۲۰۱۰)

تحقیقات و ایجاد ارتباط دو سویه میان علوم مختلف جامعه با زبان ریشه در جامعه‌شناسی زبان دارد. عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و عوامل تاریخی همه و همه چیزهایی هستند که در سطح زبان منعکس می‌شوند. لایه‌های جهان‌بینی عمیق که مربوط به ساختار و گفتمان حاکم بر جامعه است، پشتیبان کننده زبان‌اند. وظیفه اصلی معلم در این جا آشنا ساختن زبان‌آموز با این ساختارهای عمیق‌تر زبان است که به کمک پل ارتباطی مطالعات میان‌رشته‌ای امکان‌پذیر است. وجود این نوع نگاه جامع و کل‌نگرانه به رشته دانشگاهی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان (آزما) از یک سو سبب اشتیاق و دلگرمی دانشجویان و دانش‌آموختگان این رشته می‌شود و از سوی دیگر سبب می‌شود اجماع و اتفاق نظر گروه‌های آموزشی مرتبط به آزفا و تشکیل کارگروه‌های جامع راه را برای آموزش بهتر فراهم کند. این موضوع «رویکرد درون گروهی» بودن را در رابطه با فرهنگ، جامعه و زبان هموار می‌کند.

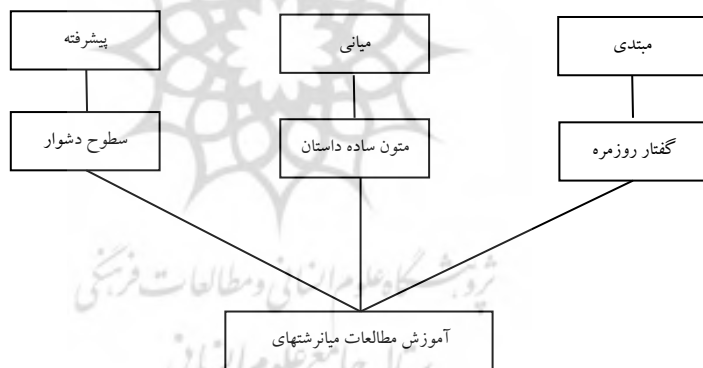
۲/۷. طراحی درس

شواهد حاکی از آن است که تاکنون بر اساس چهارچوب و شیوه نظری آموزش زبان مهارت‌ها برای آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان همراه با نوع آموزش متکی به آموزش بینارشته‌ای مطلبی در ایران ارائه نشده است. اغلب تلاش‌ها در تدوین مطالب آموزشی بر پایه آموزش کلاسی و با توجه و تمرکز بر ابزارهای جزئی و یا حتی نوین آموزشی بوده است اما در تهیه مطالب آموزشی قبل از هر چیز باید به آموزش کاربردی زبان برای زبان‌آموزان توجه کرد که در هر مقطع دارای ویژگی‌هایی است. در طراحی درس‌ها لازم است برای آموزش واژگانی و یا جملات زبان اطلاعات مربوط به ساختار زیربنایی آن در اختیار زبان‌آموزان قرار بگیرد. به‌عنوان مثال زمانی که در احوالپرسی یا مراودات اجتماعی زبان‌آموز با نحوه سلام و احوالپرسی آشنا می‌شود ممکن است با جمله «خوبم الحمدلله» یا «خوب هستم انشاءالله» مواجه شود. آیا به‌راستی در نظام آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان «که ممکن است الزاماً مسلمان هم نباشند» آیا لزوم توجه به واژه‌های دینی مانند «ان‌شاءالله، الحمدلله» در این دو جمله دغدغه آموزش زبان در نظام آموزشی بوده است؟ به هنگام آموزش جمله‌ای که ساختاری سیاسی یا اقتصادی در آن نهفته است آیا توانش زبانی بدون توجه به ساختار جامعه‌شناسی زبان امکان‌پذیر است؟ «یادگیری یک زبان خارجی الزاماً فرایندی مشابه را ایجاد می‌کند. اما عادات زبانی جدیدی که باید به‌وجود آید با عادات زبان مادری که به‌شدت استوار است برخورد می‌کند. در اینجا مهم‌ترین اشکال، ابهامات اجتماعی - فرهنگی موجود در زبان مقصد است؛ برای مثال ارزش کلمه **جمعه** برای مسلمان است» (ژی‌رار، ۱۳۶۵: ۷۵). بنابراین ابهامات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... برخی از مشکلاتی است که در امر آموزش زبان با آن مواجه هستیم. پس روش‌های دستوری - صورتی را که روش‌های ساختگرا و مبتنی بر ظاهر آموزش و تکیه بر چهارچوب‌های آموزش لغات و جملات و دستور زبان است نمی‌تواند چندان کارآمد باشد.



بنابراین مظاهر مختلفی که در جامعه از علوم و فنون و دانش‌ها و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی وجود دارد لزوم آموزش و توجه به مطالعات بینارشته‌ای را در امر آموزش زبان بیش از پیش آشکار می‌سازد تا زبان‌آموز و مدرس در کنار واژگان و جملات و دستور زبان الگوی یادگیریشان را تا حدودی تغییر داد.

دوره آموزش زبان



۸/۲. اهداف استفاده از مطالعات میان‌رشته‌ای در آموزش زبان

- بررسی گنجانیدن مهارت با تلفیق شیوه بینارشته‌ای - مبنا در سیستم آموزشی و ارائه طرح درس مناسب در این زمینه برای دستیابی به موارد زیر است:
- بالا بردن سطح آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان از طریق ایجاد نوآوری و تحول در آموزش؛
 - نهادینه کردن روش‌ها و شیوه‌های علمی برای کیفیت برنامه آموزشی؛
 - درگیر ساختن مهارت‌ها با هم، جهت سرعت دادن به یادگیری از طریق استفاده از زیرساخت‌های دانش.
 - کنار گذاشتن کتاب‌های ثابت و جایگزین کردن منابع یادگیری تازه و پویا.

نتیجه‌گیری و پایان سخن

آموزش زبان فارسی، آموزش چند ساحتی است و ابعاد گوناگونی را در خود جای داده است. از این رو بخش وسیعی از متون زبان و ادبیات فارسی بویژه امهات این متون، از یک سو در زمره منابع مهم ادبی محسوب می‌شود و از سوی دیگر حجم وسیعی از دانش‌های علوم دیگر را در خود جای داده است. پژوهش‌های میان‌رشته‌ای حاصل تلفیق دو یا چند رشته دانشگاهی برای حل یک مسأله علمی است که در دوران تخصصی شدن علوم، با نگاهی وحدت‌گرایانه به دانش بشری بویژه مقوله زبان و ادبیات، می‌تواند ارتباطی منطقی میان علوم مختلف ایجاد کند. آموزش تک بُعدی زبان فارسی به فارسی‌آموزان که ناشی از ابزارهای سنتی و کلیشه‌ای و جملات از پیش تعیین شده است سبب کج‌فهمی، دیرفهمی و دل‌زدگی زبان‌آموزان خواهد شد. زبان، پوششی ساختاری و ظاهری برای بیان فرهنگ است. زبان با واژه‌ها، دستور، قواعد، ضرب‌المثل‌ها، کنایات، اصطلاحات، تعبیرات عام و فولکلور، ادبیات و علم در هم تنیده شده است در نتیجه می‌توان گفت که آموزش هر زبان دومی از جمله زبان فارسی مستلزم آن است که زبان‌آموز در یک نظام آموزشی اصولی و توانمند با زیرساخت‌هایی که زبان را شکل می‌دهند، آشنا شود و این امر محقق نمی‌گردد، مگر آنکه در یک سیر منطقی از مطالعات میان‌رشته‌ای زمینه این امر فراهم شود. از این رو به کمک مطالعات میان‌رشته‌ای می‌توان تا حدود زیادی زبان‌آموز را با مبانی زیرساختی زبان و دانش‌های دیگر آشنا ساخت.

منابع و مأخذ

۱. خورسندی، علی (۱۳۸۷)، گفتمان میان‌رشته‌ای، دانش، پژوهش‌کده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
 ۲. دوریتسه، ژان فرانسوا (۱۳۸۲)، علوم انسانی، گستره شناخت ما، ترجمه مرتضی کتبی و همکاران، تهران، نشر نی.
 ۳. رهادوست، بهار (۱۳۸۲)، رویکرد بین‌رشته‌ای و مطالعات ادبی، زیباشناخت، شماره نهم.
 ۴. ژیرار، دنی (۱۳۶۵)، زبان‌شناسی کاربردی و علم آموزش زبان، ترجمه گیتی دیهیم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی
 ۵. صحرائی، رضا مراد (۱۳۹۱)، جایگاه رهیافت‌های طراحی برنامه‌دستی در فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزش زبان فارسی به غیر ایرانیان، فصلنامه مطالعات برنامه‌دستی ایران، شماره ۲۷، صص ۱۳۴-۱۰۳.
 ۶. متولی، سید محمد (۱۳۷۶)، بررسی تأثیر آموزش راهبردهای فراشناختی بر خواندن، درک مطلب و سرعت یادگیری دانش‌آموزان کلاس‌های اول دبیرستان دخترانه شهرستان فردوس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، علامه طباطبایی.
 ۷. ویلیامز، ماریون (۱۳۹۴)، روانشناسی برای مدرسان زبان: رویکرد استنباط‌گری - اجتماعی، ترجمه ابراهیم چگنی، تهران، رهنما.
- منابع لاتین)

۱. Pohl. (۲۰۱۰), core terms in transdisciplinary research. In hand book of frandisci plenary research springer Netherlands.

۲. Sepir, I (۱۹۹۳), komunkation, Moscow, progress.